

عربستان سعودی که ادعای رهبری جهان اهل سنت را دارد و با تمسک به این ادعا در کشورهای عرب منطقه دخالت می کند با چالش های اساسی روبه رو ست که هر کدام از این چالش ها می تواند باعث فرو ریختن بنای سست پادشاهی آل سعود شود. بزرگ ترین صادر کننده نفت جهان با وجود درآمدهای بالای نفتی شاهد شکاف طبقاتی و اجتماعی شدیدی است. گروه های مختلف این کشور با یکدیگر در تقابل هستند و تنها در مخالفت با حکومت پادشاهی در این کشور وحدتی نسبی دارند. جایگاه منطقه ای این کشور در سه سال گذشته به شدت تنزل پیدا کرده و بیداری اسلامی در منطقه خطری جدی را متوجه خاندان آل سعود کرده است. این مطلب به بررسی مهم ترین چالش های پیش روی عربستان پرداخته است که می تواند در سرنوشت سیاسی این کشور موثر باشد.

چالش های پیش روی آل سعود

■ محمد رضا کلهر



سیاست سرکوب رژیم سعودی بسیار شکننده است و با مرگ ملک عبدالله این اقدامات کارایی خود را از دست خواهد داد و جنگ قدرتی که یک دهه به تاخیر افتاده است بار دیگر شروع خواهد شد.

هرچه تمام تر از آل خلیفه حمایت می کند، بر همین اساس عربستان ظرف چند سال گذشته با احداث یک پل عظیم، سرزمین بحرین را به خاک خود متصل کرد تا در هر زمان که اراده کرد نیروهای نظامی خود را به این جزیره گسیل دارد، هم اکنون مردم بحرین مواجه با اشغال سرزمینشان توسط حکومت عربستان هستند و حکام عربستان با توافق آمریکا از ایجاد مردم سالاری در بحرین جلوگیری می کنند.

۲۹ میلیارد ریال سعودی (۷.۷ میلیارد دلار) برای برنامه‌های مبارزه با فقر و بودجه‌های سالانه مربوط به ایام، نیازمندان و بیمه اجتماعی است. عوامل بیکاری در عربستان را باید در سه گزینه اصلی خلاصه کرد: نخست ضعیف شدن بخش دولتی در ایجاد اشتغال و جذب تازه واردان به بازار کار، دوم کوچک بودن بخش خصوصی و ضعف‌های بنیادین عملکرد و همچنین ناتوانی آن در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و سوم مشکل آموزش که از یک سو برودادهای آن پاسخگوی نیازهای یک اقتصاد در حال توسعه نیست و از سوی دیگر، هماهنگ با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی گسترش نیافته است.

موتور محرکه انقلاب های ۲۰۱۱ در جهان عرب، جوانان بودند. در عربستان نیز جوانان بیشترین تعداد نیروهای بیکار (۶۱ درصد) این کشور را تشکیل می دهند و فراهم شدن بسترهای لازم، می تواند این جمعیت ناراضی را علیه خاندان سعودی به خیابان ها بکشانند. هرچند جرقه این قیام در بخش های شیعه نشین این کشور زده شده است اما باید منتظر فراگیر شدن اعتراض ها در این کشور بود. عامل قیام و بیکاری می تواند به صورت محرکی در جهت وحدت بین گروه های مختلف عربستان در راستای مبارزه با فساد آل سعود عمل کند. فقر یکی از عواملی است که در تحلیل های موجود در مورد چالش های عربستان کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اهمیت این متغیر را چندان در نتیجه گیری نهایی دخیل نمی دانند.

بحران های منطقه ای
عربستان سعودی از سال ۲۰۱۱ با شروع انقلاب های عربی تانکتیک های کواتر مدت خود را منطبق با کنترل این قیام ها اتخاذ کرد. خاندان آل سعود که از نظر مشروعیت داخلی با بحران مواجه است و در سال های اخیر توانسته است عملکرد مناسبی در داخل و خارج کشور داشته باشد متعلاانه سیاست «مداخله گری منفی» در امور دیگر کشورهای منطقه را دنبال کرده است. زمانی که امواج بیداری اسلامی از تونس شروع شد پادشاهی های خاورمیانه، به ویژه حوزه خلیج فارس که طرفدار سنتی «حفظ وضع موجود» بوده اند بیشترین تهدید را احساس کردند. عربستان به عنوان برادر بزرگتر شیخ نشین های خلیج فارس به دلیل وجود پتانسیل های وقوع انقلاب برای جلوگیری از سرایت انقلاب های عربی اقدام به سرکوب نیروهای آزادیخواه و حمایت از گروه های تکفیری کرده است. این کشور برکنار شده این کشور همیمان بود نتوانست بیروزی بزرگترین رقیب ایدئولوگ خود در جهان اهل سنت یعنی اخوان المسلمین را در سرزمین نیل تاب بیاورد و با حمایت از سلفی ها و نظامیان مصری مقدمات کودتای ارتش علیه محمد مرسی رئیس جمهور منتخب را فراهم و وی را برکنار کرد.

انقلاب بحرین نیز با دخالت هایی که عربستان در این کشور اعمال می کند نتوانسته است تاکنون به تغییری در هیئت حاکمه آل خلیفه منجر شود. عربستان، بحرین را همواره بخشی از امنیت ملی خود تلقی کرده و معتقد است که هر نوع تغییر در ساختار حکومتی این امیرنشین بر سران پادشاهی در عربستان تأثیر تعیین کننده خواهد گذاشت، بنابراین با شدت و قدرت



عربستان سعودی که ادعای رهبری جهان اهل سنت را دارد و با تمسک به این ادعا در کشورهای عرب منطقه دخالت می کند با چالش های اساسی روبه رو ست که هر کدام از این چالش ها می تواند باعث فرو ریختن بنای سست پادشاهی آل سعود شود. بزرگ ترین صادر کننده نفت جهان با وجود درآمدهای بالای نفتی شاهد شکاف طبقاتی و اجتماعی شدیدی است. گروه های مختلف این کشور با یکدیگر در تقابل هستند و تنها در مخالفت با حکومت پادشاهی در این کشور وحدتی نسبی دارند. جایگاه منطقه ای این کشور در سه سال گذشته به شدت تنزل پیدا کرده و بیداری اسلامی در منطقه خطری جدی را متوجه خاندان آل سعود کرده است. این مطلب به بررسی مهم ترین چالش های پیش روی عربستان پرداخته است که می تواند در سرنوشت سیاسی این کشور موثر باشد.

سرویس خارجی

۲۰۱۲ تاکنون وزیر کشور عربستان بوده است. نقش محمد بن نایف در سرکوب تظاهرات داخلی عربستان به گونه‌ای است که معترضان همیشه در تظاهرات خود شعارهایی علیه وی و وزارت کشور سر داده‌اند. شبکه‌ان بی سی آمریکا وی را به ژنرال جنگ علیه تروریسم تشبیه کرده است. «متعب بن عبدالله» پسر پادشاه کنونی عربستان نیز با کنترل پایتخت یبلاقی آل سعود در جده و همچنین تسلط بر شهرهای مهم حجاز مانند مدینه، مکهوطائف که نیمی از جمعیت کشور را در خود جای داده، خود را برای رقابت در روزهای پس از مرگ پسر آماده می کند. متعب، فرمانده گارد ملی عربستان است، وی خود یک نظامی تحصیلکرده است و بین امرای ارتش نیز نفوذ ویژه‌ای دارد. اینکه او چرا دست بر منطقه حجاز گذاشته است به دلیل خاندان مادری‌اش است که از قبیله «شمر» است و این قبیله در شرق عربستان ساکن است. اما محمد بن نایف که حدود چهار دهه امنیتی‌ترین پرورنده‌های کشور در دست اوست و وظیفه رسیدگی و پیگیری آنها را بر عهده دارد، آن اندازه از عموزادگانش سند و مدرک در اختیار دارد که می تواند در زمان مناسب از آنها به نفع خود استفاده کند.

این شرایط وضعیت آل سعود را در دوران انتقال قدرت با چالشی اساسی روبه رو خواهد کرد و در صورت قرار گرفتن این عامل در کنار چالش های دیگر می توان شاهد فعال شدن شکاف ها در خاندان پادشاهی و چه بسا فروپاشی کاخ نیم بند آل سعود بود.

نتیجه گیری

عربستان سعودی که بیشترین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد و از ۱۳ استان تشکیل شده است که در راس هر کدام از آنها یکی از شاهزادگان سعودی قرار دارد با وجود پتانسیل های زیاد برای نقش آفرینی مثبت در جهت وحدت بین مسلمانان، مسیر اختلاف افکنی در جهان اسلام را برگزیده و در شعله ورت روشن آتش اختلاف ها در جهان اسلام نقش اصلی را دارد. این کشور بر خلاف تبلیغات رسانه ای نه تنها بر اوضاع داخلی مسلط نیست بلکه با چالش های زیادی دست و پنجه نرم می کند. میزان قدرت پس از مرگ عبدالله را ندارد. در این کشور باعث شده است که ۶۱ درصد



در حال حاضر ولیعهد عربستان به دلیل بیماری شرایط لازم برای به دست گرفتن قدرت پس از ملک عبدالله را ندارد.

«جانشین ولیعهد» به نظر می رسد این کشور در دوران پس از ملک عبدالله شاهد تنش های شدیدی بین نوادگان عبدالعزیز باشد.

با توجه به شرایط کنونی، جامعه عربستان بعد از ملک عبدالله، جنگ قدرت بین نسل جدید خواهد بود، چرا که سازوکار مناسبی برای انتقال قدرت به این نسل جدید تاکنون از سوی خاندان سعودی اعلام نشده است و تنها با درگیری های خونین این انتقال قدرت انجام خواهد گرفت. در این میان رقابت اصلی بین «متعب بن عبدالله» و «محمد بن نایف» خواهد بود. این دو می توانند با رهبری هریک از جناح های داخلی عربستان برای کسب قدرت وارد میدان شوند.

محمد بن نایف که از طرف آمریکایی ها مردمی محبوب معرفی شده است از نوامبر



اغلب موقعیت های شغلی در عربستان را اعضای خاندان سعودی قبضه کرده اند و همین امر منشا اعتراض های حکومتی است.

آینده دربار عربستان

در حالی که خاندان سلطنتی عربستان سعودی پشت درهای بسته سرگرم انتخاب جانشین تخت و تاج است، صداهای معدودی در جامعه عربستان شنیده می شود که یکی از حساس ترین موضوعات در پادشاهی سعودی را زیر سوال برده است: ادعای خاندان آل سعود مبنی بر در اختیار داشتن قدرت مطلقه و حق مسلم و غیر قابل حسابرسی این خاندان برای تسلط بر ثروت نفتی کشور. طی هفته های گذشته دست کم ۱۰ شهروند سعودی، ویدئوهایی را در شبکه های اجتماعی منتشر کرده اند و در آنها به شدت از خاندان سلطنتی عربستان انتقاد کرده و خواستار تغییر شده اند. دست کم سه نفر از اشخاصی که در این تصاویر دیده می‌شوند، به همراه هفت نفر دیگر که با انتشار این ویدئوها مرتبط بوده اند، تا به حال دستگیر شده اند.

فهمیدن این که موضعی از این دست تا چه حد در جامعه عربستان گسترده است، کار غیر ممکن است. اما با توجه به این که هرگونه انتقاد عمومی از شاه، اکیدا ممنوع است، فوران ناگهانی این گونه اظهارات تقریباً بی سابقه و شگفت انگیز به نظر می رسد. این تحولات نشان دهنده چالشی است که خود حاکمان عربستان نیز از آن مطلع اند؛ آنها باید نیازها و مطالبات رو به رشد جوانان، شفافیت، اصلاح و مشارکت بیشتر مردم



شهروندان عربستان بارها در شبکه های اجتماعی مخالفت خود را با سیاست های آل سعود ابراز داشته اند.

نرخ بیکاری در عربستان بیش از ۲۵ درصد است و حدود ۸۰ درصد از نیروی کار عربستان از کشورهای دیگر به ویژه مصر به این کشور مهاجرت کرده اند. فقر و بیکاری در کشوری که روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می کند نمایانگر مدیریت ناکارآمد داخلی این کشور است.

در دولت را مورد توجه قرار دهند.

همزمان، خاندان حاکم عربستان با مسئله دیگری هم روبه روست که اهمیتی یکسان با موضوع پیشتر ذکر شده دارد؛ چگونه باید تخت و تاج را به نسل آتی آل سعود تحویل دهد؟! از زمانی که عبدالعزیز آل سعود پادشاهی عربستان را در دهه ۱۹۳۰ بنیان گذاشت، سلطنت بین پسران وی چرخیده است؛ این روند چندین دهه است که نسبتاً بدون مشکل خاصی ادامه داشته است اما رفته رفته زمان آن رسیده است که آل سعود تصمیم بگیرد این بار پسر کدام یک از برادرها جانشین سلطنت شود.

ملک عبدالله ۹۰ ساله که نزدیک به یک دهه است سلطنت را در دست دارد، چندی پیش با ماسک اکسیژن در انتظار عمومی ظاهر شد. برادر او شاهزاده سلمان که نزدیک به ۸۰ سال سن دارد، ولیعهد است.

چند هفته پیش، ملک عبدالله در اقدامی غیرمنتظره، اعلام کرد پس از سلمان، شاهزاده مقرن سلطنت را در دست خواهد گرفت. مقرن ۶۸ ساله، کوچک ترین پسر عبدالعزیز است.

این انتخاب، به طور بالقوه می تواند اعضای خاندان سلطنتی را دچار دودستگی کند. تحلیل گران می گویند بیش از ۱۲ شاهزاده بین نوه های عبدالعزیز و از شاخه های مختلف شجره نامه او وجود دارند که بعد از مقرن، می توانند واجد شرایط ولیعهدی باشند. نسل آتی سلطنت عربستان وارث کشوری خواهد بود که نیمی از جمعیت ۲۰ میلیون نفری اش زیر ۲۵ سال سن دارند و همگی، نیازمند شغل، مسکن و تحصیلات اند. بزرگ ترین صادر کننده نفت دنیا، ثروت کلانی دارد اما این ثروت توزیع یکسانی ندارد و میزان بیکاری بین جوانان سعودی نیز رو به افزایش است. برآورد می شود جمعیت این کشور تا سال ۲۰۵۰ به ۴۵ میلیون نفر برسد.

خاندان سلطنتی عربستان نشان داده که از این چالش ها آگاهی دارد. هفته پیش، ((مقرن)) در یک کنفرانس از گزارشی صحبت کرد که مورد تأیید دولت بود و حداقل درآمد خانواده ها برای تأمین نیازهای ضروری را مشخص می کرد. وی در این کنفرانس از بانک های کشور به خاطر درآمدهای کلان و در عین حال کارآیی پایین در کمک به جامعه انتقاد کرد و گفت: «بانک های ما مثل یک تیغه اره می مانند؛ هم در مسیر رفت و هم در مسیر برگشت، بریدگی ایجاد می کند. مشارکت آنها در کمک به جامعه، در مقایسه با مسیر شراری که از شهروندان و دولت نصیب شان می شود، اندک است.» ماه پیش نیز شاهزاده مشعل، فرماندار شهر مکه و یکی از پسران ملک عبدالله، در یک نشست اقتصادی گفت حضور جوانان در برنامه ریزی و توسعه باید افزایش یابد.

سری ویدئوهایی که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، درست پس از اعلام خبر ولیعهدی مقرن در اینترنت منتشر شد. در هر یک از این ویدئوها، یک نفر رو به دوربین صحبت می کند. در بیشتر آنها، شخصی که رو به دوربین حرف می زند، نام و هویت خود را اعلام می کند؛ اقدامی متهورانه به نشانه این که او، از افشای هویت خود باکی ندارد. دو ساله به نظر می رسند. آنها اهل استان های مختلف عربستان هستند.

در یکی از ویدئوها، مرد جوانی که خود را عبدالعزیز الدساری معرفی می کند، می گوید: درآمدی معادل ۵۰۰ دلار در ماه دارد – او شغل خود را اعلام نمی کند- و قادر به خرید یک خودرو، خانه و حتی ازدواج هم نیست.

او در ویدیوی ۳۰ ثانیه ای خود خطاب به پادشاه می گوید: «برادر، از آن ثروت نفتی که خودت و پسرانت جمع کرده ای، مقداری به ما بدهید.»

وی سپس می افزاید: «بفرمایید، این هم اسم من.» او شناسنامه اش را مقابل دوربین می گیرد و می گوید: «از آنچه که حق ماست، قدری هم به خودمان بدهید.» این ویدیو، بیش از ۱.۸ میلیون بار دیده شده است. به گفته مقامات امنیتی، الدساری یکی از افرادی است که پس از انتشار این ویدئوها، دستگیر شده است.

مقامات امنیتی می گویند نشانه‌ای از این که گروه خاصی در انتشار این ویدئوها نقش داشته، در دست نیست. افرادی که در این تصاویر صحبت می کنند، از وابستگی خود به هیچ گروه یا جنبش سیاسی چیزی نمی گویند. بعضی از آنها، خاندان سلطنتی را به فساد متهم می کنند، بعضی دیگر خواستار توزیع ثروت ملی هستند. بعضی، از بیان نام «عربستان سعودی» که از نام خاندان سعود گرفته شده، پرهیز می کنند و به جای آن، از عبارت «سرزمین دو مسجد مقدس» استفاده می کنند که اشاره به مسجد حضرت النبی (ص) در مدینه و مسجد الحرام مکه دارد.

در یکی از این ویدئوها، فردی که خود را ماجد السمیریی معرفی می کند، خواستار استقلال دستگاه قضایی، آزادی بیان و انحلال دستگاه اطلاعاتی می شود که زمانی، شاهزاده مکرمین ریاست آن را بر عهده داشت.

طبقه متوسط جامعه عربستان، صدای بسیار ضعیف و محدودی در بدنه حاکمیت این کشور دارد. اغلب مناصب و موقعیت های شغلی برجسته در اختیار هزاران عضو خاندان سعود است. شورای مشورتی منتخب پادشاه، نزدیک ترین نهاد به پارلمان است و اعضای آن از بین قبایل اصلی و دیگر بخش های جامعه انتخاب می شوند. اما این شورا فقط به پادشاه و دولت مشورت می دهد و قدرت اجرایی ندارد.

پرش «چه کسی قرار است پادشاه آتی باشد» منحصرادر محفل خاندان سلطنتی مطرح می شود و تمام مناقشات و مباحث مربوطه، به شدت مخفی و خصوصی باقی می ماند. چند سال پیش، ملک عبدالله سعی کرد روند انتخاب جانشین و ولیعهد را رسمیت ببخشد. او یک شورای بیعت ۳۴ نفره متشکل از مردان ارشد خاندان سعود را تشکیل داد تا درباره جانشینی تصمیم بگیرند. جلسات این شورا به شدت مخفیانه و خصوصی برگزار می شود.

آدام اری، سفیر سابق آمریکا در کشور همسایه یعنی بحرین، معتقد است مهم ترین مسئله ای که شاه آینده با آن روبه رو خواهد بود، قابلیت پاسخگویی به ملت است. او می گوید: «بدون تردید، نسل جدید درباره موضوعاتی مثل اصلاحات و آنچه در مملکت باید انجام شود، دیدگاه های متفاوتی دارد. حاکمان عربستان سعودی این موضوع را درک می کنند که باید به جامعه پاسخگو باشند.»

منبع: شفقنا